



Res. article

Strategies for Expressing Possession in Some Iranian Linguistic Varieties

Shahla Sharifi^{✉1}, Narjes Banou Sabouri²

1- Associate Professor, Ferdowsi University of Mashhad. 2- Associate Professor, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Received: 2019/21/01

Accepted: 2019/02/02

Abstract

The present study aims at reviewing the strategies employed in some Iranian linguistic varieties in order to express possession. To do so, first the type of possessive strategy used in each variety was described based upon the categorization made by Croft (2003). Then the features considered by Croft (1990) to analyze the possessive constructions and the variables like the order of possessor and possessum, the category of possessor (noun or pronoun), the importance of animate or inanimate being in expressing the relation of possessive, the presence or absence of discrimination in alienable or inalienable possession in each variety have been addressed. The findings show that in the varieties studied in this research, mostly only one strategy from the three forms of case marking, juxtaposition, and linker is used; but in some cases two strategies from the three are used to show possessive as a syntactic phrase. Case marking strategy dates back to Ancient Iranian languages while juxtaposition and linker ones reach to Middle West Iranian languages. In terms of the features characterized by Croft, the possessor and the possessum are adjacent without any fusion except for some varieties that use the clitic possessors. The additional morpheme in such varieties mostly follows the first constituent and rarely the second in affix (or clitic) form.

Keywords: possessive strategy, possessor, possessum, juxtaposition, linker, case marking, Iranian linguistic varieties.

Citation: Sharifi, Sh., Sabouri, N. B. (2019). Strategies for Expressing Possession in Some Iranian Linguistic Varieties. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 7 (25), 57-76. (In Persian)



راهبردهای بیان مالکیت در برخی گونه‌های^{*} زبانی ایرانی

شهلا شریفی^۱، نرجس بانو صبوری^۲

۱- دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد. ۲- دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران، ایران.

پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۱

دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱

چکیده

در نوشتار پیش رو راهبردهایی که در برخی گونه‌های زبانی ایرانی برای بیان مالکیت به کار می‌رود، بررسی شده است. ابتدا نوع راهبرد ملکی هر گونه با توجه به دسته‌بندی کرافت (۲۰۰۳) مشخص شده و سپس ویژگی‌هایی که کرافت (۱۹۹۰) برای تحلیل ساخت ملکی تعیین کرده و متغیرهایی همچون ترتیب مالک و ملک، مقوله مالک از نظر اسم یا ضمیر بودن، اهمیت جاننداری در چگونگی بیان رابطه مالکیت و وجود یا نبود تمایز رابطه تعلق و غیر تعلق در هر گونه بررسی شده است. براساس یافته‌های پژوهش حاضر، در گونه‌های بررسی شده، غالباً از یکی از سه راهبرد حالت‌نمایی، مجاورت و پیونده برای بیان مالکیت استفاده شده است، اما در برخی موارد از دو راهبرد یادشده برای بیان مالکیت در قالب یک گروه نحوی استفاده می‌شود. پیشینه راهبرد حالت‌نمایی به ایرانی باستان و پیشینه دو راهبرد مجاورت و پیونده به ایرانی میانه غربی می‌رسد. از نظر ویژگی‌های مورد نظر کرافت، جز در برخی گونه‌ها که از مالک‌های واژه‌بستی استفاده می‌شود، مالک و ملک بدون ادغام در مجاورت هم قرار می‌گیرند، تکواژ اضافه در گونه‌هایی که آن را دارند همواره به صورت وندی (واژه‌بستی) پس از سازه اول و به ندرت پس از سازه دوم قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: راهبرد ملکی، مالک، ملک، مجاورت، پیونده، حالت‌نمایی، گونه‌های زبانی ایرانی.

استناد: شریفی، شهلا؛ صبوری، نرجس بانو (۱۳۹۸). راهبردهای بیان مالکیت در برخی گونه‌های زبانی ایرانی. فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۷ (۲۵)، ۵۷-۷۶.

*. در این پژوهش از گونه که صورت خنثی است استفاده کرده‌ایم و نه گویش یا زبان، زیرا در مورد گویش یا زبان بودن تمام موارد مطرح شده در این پژوهش اتفاق نظر وجود ندارد.

۱- مقدمه

مالکیت^۱ از مفاهیم مهم برای انسان است و از آنجا که برای بیان آن در زبان‌های مختلف روش‌های رایجی وجود دارد، می‌توان آن را مفهومی جهانی در نظر گرفت (هاینه^۲، ۱۹۹۷). راهبردهای بیان مالکیت و عوامل مؤثر در چگونگی بیان این رابطه بسیار متفاوت و متنوع است و بدون شک مبنای شناختی دارد؛ در پژوهش پیش رو به این موضوع که چگونه تفاوت نگرش شناختی منجر به تولید صورت‌های مختلف بیان مالکیت می‌شود، نمی‌پردازیم، بلکه بر توصیف راهبردهای مورد استفاده و متغیرهای دخیل در بازنمایی رابطه ملکی در برخی گونه‌های^۳ زبانی ایرانی تمرکز می‌کنیم و می‌کوشیم از رهگذر این توصیفات که به دسته‌بندی این گونه‌ها به لحاظ رده‌شناختی کمک خواهد کرد، به برخی تلویحات و نکات نظری دست یابیم.

درخصوص موضوع بحث پژوهش حاضر درباره چگونگی بازنمایی مالکیت چه در قالب نظری و چه به صورت توصیف این رابطه در زبان‌ها و گونه‌های مختلف، در خارج از کشور آثار متفاوت و کمابیش فراوانی منتشر شده است؛ اما در داخل کشور به‌ویژه در چارچوب مورد نظر نوشتار پیش رو که چارچوبی رده‌شناختی است، آثار اندکی را می‌توان یافت. یکی از این آثار شریفی (۱۳۸۸) است که در آن به بررسی رده‌شناختی ساخت ملکی در زبان فارسی امروز پرداخته شده است. در این مقاله راهبردهای ملکی‌سازی در زبان فارسی بررسی شده، متغیرهای دخیل در چگونگی بروز ساخت ملکی مشخص شده و درنهایت با توجه به راهبرد غالب در زبان فارسی امروز، رده این زبان ازبابت متغیر ملکی معلوم شده است.

اثر بعدی مربوط به بامشادی و انصاریان (۱۳۹۶) است که در آن ساخت ملکی در گویش کردی گورانی را از دیدگاه رده‌شناسی بررسی کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که کردی گورانی از نظر رده‌شناسی جزو زبان‌هایی است که برای ملکی‌سازی در سطح گروه از دو راهبرد ساده همجواری با ترتیب آرایشی اسم-ملکی و وندافزایی با همان ترتیب آرایشی و عناصر پیوندی استفاده می‌کند. در سطح جمله نیز ساخت‌های داشتن و متعلق بودن را به کار می‌گیرد که میان این دو از لحاظ آرایش سازه، معرفگی یا نکرگی مالک و مملوک و همچنین انتقال‌پذیری و انتقال‌ناپذیری مالکیت تفاوت‌هایی دیده می‌شود. سومین اثر مربوط به مصطفوی و صنعتی (۱۳۹۷) است که در آن گزاره‌های ملکی در زبان

1. possession
2. B. Heine
3. varieties

شهمیرزادی از دیدگاه رده‌شناختی را کرده‌اند. در این مقاله چارچوب استیسن^۱ مد نظر قرار گرفته که در آن چهار نوع رده زبانی به صورت رده مالکیت مکانی، رده مالکیت بایی، رده مالکیت مبتدایی و مالکیت با فعل *داشتن* مشخص شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد در شهمیرزادی سه رده از این چهار رده وجود دارد و تنها رده مبتدایی کاربرد ندارد؛ اما ساخت ملکی در زبان فارسی با توجه به دیدگاه‌ها و چارچوب‌های دیگر هم تحلیل شده است که از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به درزی و افشار (۱۳۹۲) اشاره کرد که در این اثر به فرایند ارتقای اسم ملکی توجه شده است. تحلیل ارائه‌شده در این مقاله، تحلیلی نحوی و مبتنی بر رویکرد کمینه‌گراست و نتیجه آن این است که در فارسی فرایند ارتقای اسم ملکی قابل پذیرش است و زبان فارسی جزو زبان‌هایی است که ساخت ملکی معرفمانند دارند. همین‌طور رضویان و دیگران (۱۳۹۷) ساخت اضافه ملکی در زبان فارسی بر پایه دستور ساخت را بررسی کرده و در پایان نتیجه گرفته‌اند که می‌توان ساخت اضافه ملکی را در زبان فارسی به سه طبقه مالکیت، اضافی و تخصیصی تقسیم کرد و در میان ساخت‌های اضافه در زبان فارسی ساخت اضافه ملکی بیشترین بسامد را دارد.

۲- مفاهیم نظری

در *لغت‌نامه دهخدا* در تعریف مالکیت، مالک بودن آمده است؛ و به منزله اصطلاحی حقوقی: «حقی است که انسان نسبت به شیء دارد و می‌تواند هرگونه تصرفی در آن بکند به‌جز آنچه مورد استثنای قانون است (معین، ۱۳۷۱) حق استعمال و بهره‌برداری و انتقال یک چیز به هر صورت مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد. در قانون مدنی ایران مالکیت فقط در مورد عین استعمال نشده است. در اصطلاح فقه هر سلطه قانونی را ملک نامند و مالکیت صفتی است که از این نظر به‌کار می‌رود؛ لذا گفته‌اند: مالکیت خانه، مالکیت حق تحجیر، مالکیت منافع و...» (دهخدا ۱۳۷۷). در فرهنگ فارسی عمید (۱۳۶۳) این واژه معادل مالک بودن در نظر گرفته شده و در فرهنگ واژه‌های فارسی سره معادل‌های *داشتاری* و *از آنش* برای آن ذکر شده است. به نظر می‌رسد این واژه تعریفی جز خود ندارد؛ یا به عبارتی برای تعریف آن از خودش استفاده شده است و تعاریفی که در فارسی به صورت عام از آن ارائه شده، مشخصه‌ها و مؤلفه‌هایی برای روشن کردن معنای آن بیش از خود واژه به دست نمی‌دهد؛ اما مالکیت در فرهنگ آکسفورد (۱۹۹۸) به مثابه اسم بدین صورت تعریف شده است: حالت^۲ یا مال خود کردن^۳ یا

1. Stassen
2. having
3. owing

کنترل کردن^۱ چیزی. در این تعریف از مالکیت، حداقل سه مؤلفه هست که در قالب سه مثال زیر نشان داده شده است:

1) She had taken possession of the sofa.

او مالکیت کاناپه را گرفته بود.

2) The book came into my possession.

کتاب به مالکیت من درآمد.

3) He remains in full possession of his sanity.

او مالک کامل فکر خود باقی می‌ماند.

چنین به نظر می‌رسد که این مؤلفه‌ها یا حوزه مالکیت در فارسی چندان مشخص نیست که مختص به این زبان نباشد؛ چه، والدرس^۲ (۲۰۰۶) نیز به این موضوع پرداخته و به‌منزله شاهد به تعاریف و مؤلفه‌هایی که هاینه (۱۹۹۷) در خصوص مالکیت ارائه کرده، اشاره داشته است؛ برای مثال مؤلفه کنترل، به‌گونه‌ای که مالک ممکن است بر ملک کنترل و سلطه داشته باشد، یا مؤلفه محلوده نفوذ و تأثیرگذاری در لانگاکر^۳ (۱۹۸۷) ذکر شده و یا طرح‌واره میزان علاقه به درگیر شدن یا دخالت کردن را بروگمان^۴ (۱۹۸۸) و هاینه (۱۹۹۷) ارائه کرده‌اند؛ همچنین چپل و مک گرگور^۵ (۱۹۹۶) دو حوزه اندام‌های بدن و رابطه جزء به کل را به‌منزله حوزه‌های مالکیت و چگونگی بازنمایی آن‌ها را با توجه به متغیر تعلق‌بودن ملک به مالک بررسی کرده‌اند.

پاینه و برشی^۶ (۱۹۹۹) حتی به مالکیت بیرونی قائل هستند و برآنند که در این نوع مالکیت، مالک به‌مثابه رابطه هسته‌ای و اصلی دستوری فعل و در سازه‌ای جدا از سازه‌ای که ملک در آن قرار گرفته، کدگذاری و بازنمایی می‌شود. این سازه به‌لحاظ دستوری می‌تواند فاعل، مفعول مستقیم یا غیر مستقیم یا مفعول به‌ای باشد، اما نمی‌تواند مفعول متممی باشد و به‌لحاظ نقشی می‌تواند نقش‌های مختلفی همانند هدف و بهره‌برنده، یا حتی در برخی زبان‌ها نقش مکانی داشته باشد. دیل^۷ (۲۰۱۷) نیز مالکیت بیرونی را بدین صورت تعریف می‌کند: مالکیت بیرونی پدیده‌ای است که در آن یک صورت اسمی به‌لحاظ نحوی به‌مثابه وابسته‌ای از فعل رمزگذاری شود، اما به‌لحاظ معنایی مالک یکی از موضوعات فعل باشد؛

1. controlling

2. S. M. B. Valadares

3. R.W. Langacker

4. C. M. Brugman

5. H. Chappel & W. MacGregor

6. D. L. Payne & I. Brashi

7. R. A. Deal

بنابراین، در مالکیت بیرونی مالک و ملک در یک گروه ظاهر نمی‌شوند و در سطح بند و در سازه‌های مختلف بازنمایی می‌شوند. در پژوهش حاضر تأکید بر راهبردهایی است که در سطح گروه عمل می‌کنند و البته رابطه‌ای از مالک و ملک مورد نظر است که در مورد مالکیت درونی و نه بیرونی مطرح می‌شود؛ این نوع رابطه (مالکیت درونی) گویا معمول‌ترین نوع و به عبارتی سرنمون رابطه مالکیت است. در راهبردهایی که در سطح یک گروه عمل می‌کنند، چند متغیر دخیل هستند؛ اولین متغیر، شیوه چینش مالک و ملک است و در این خصوص دو حالت وجود دارد، یا ابتدا مالک است و پس از آن ملک قرار می‌گیرد؛ یا ابتدا ملک است و پس از آن مالک قرار می‌گیرد؛ برای مثال در فارسی معیار چینش به صورت ملک- مالک است، مانند کتاب *علی*؛ اما در فنلاندی اول مالک قرار می‌گیرد، سپس ملک (مثال از کارجالاینن^۱: ۱۹۹۲: ۲۲۷، به نقل از درایر^۲، ۲۰۱۳ است):

4) Tyttö- n kissa/ Girl-Gen cat/ The girl's cat

گربه دختر

البته این بدین معنا نیست که زبانی وجود ندارد که از هر دو چینش استفاده کند. متغیر دوم نوع مالک به لحاظ اسم یا ضمیر بودن است. در برخی زبان‌ها راهبردی که برای بیان مالکیت به هنگام اسم بودن مالک به کار می‌رود، متفاوت از زمانی است که مالک ضمیر است؛ برای مثال در زبان فرانسه هنگامی که مالک اسم است، از ترتیب ملک - مالک استفاده می‌شود و زمانی که ضمیر است، ترتیب مالک - ملک به کار می‌رود (درایر، ۲۰۱۳)؛ یا در فارسی زمانی که مالک ضمیر است، می‌تواند به صورت واژه‌بستی نیز ارائه شود، برای مثال: *ماشینم*؛ ولی هنگامی که مالک اسم است، این قابلیت وجود ندارد؛ البته در زبان فارسی ارائه واژه‌بستی ضمیر اختیاری است؛ یعنی ضمیر به صورت غیر واژه‌بستی هم می‌تواند به کار رود؛ برای مثال *ماشین من*؛ اما در برخی زبان‌ها این امر انتخابی نیست و چنانچه مالک ضمیر باشد، همواره به صورت واژه‌بست ارائه می‌شود. متغیر سوم اهمیت مؤلفه معنایی است که با عنوان رابطه تعلق^۳ در برابر رابطه غیر تعلق^۴ مطرح می‌شود. این رابطه معنایی خود با مؤلفه‌های مختلفی تعریف می‌شود؛ ملک به مالک تعلق داشته باشد، بدین معنی که جزئی از وجود او باشد یا قابل تفکیک از او نباشد یا قابل واگذاری به غیر نباشد؛ همانند دست که جزئی از بدن فرد است؛ بنابراین در دست *علی* رابطه‌اش با *علی*

1. M. Karjalainen
2. M. Dryer
3. inalienable
4. alienable

رابطهٔ تعلقی است؛ یا مادر که در مادر علی با فرد، رابطهٔ وجودی دارد؛ اما در رابطهٔ غیر تعلقی ملک قابل تفکیک و قابل واگذاری به غیر است؛ برای مثال ماشین علی یا مقام و منصب علی. متغیرهایی که از آن‌ها سخن گفته شد تنها متغیرهای دخیل در چگونگی بازنمایی رابطهٔ مالک و ملک در زبان‌های دنیا نیستند. در برخی زبان‌ها نکات ظریف دیگری هم ممکن است از نظر سخن‌گویان یا اهل آن زبان مهم باشند؛ بنابراین در ساخت ملکی بازنمایی می‌شوند؛ برای مثال در زبان پالیکور از زبان‌های موجود در برزیل دو ساخت متفاوت زیر را داریم (والدرس، ۲۰۰۶):

5) Nu-amutra banana/ 1sG-plant banana
My banana (that I planted and took care of)

موزم (آن موزی که خودم کاشته و مراقبت کرده‌ام).

6) Nu-manapilatno/ 1sG-food banana
My banana (that I can eat)

موزم (آن موزی که می‌توانم بخورم).

عامل مؤثر دیگر در ساخت ملکی، جاننداری است. در زبان انگلیسی جاننداری می‌تواند در انتخاب راهبرد ملکی تأثیرگذار باشد؛ بدین معنا که برای اسامی جاندار می‌توان از 's استفاده کرد؛ افزون بر این حالت متداول، چینش مالک و ملک به صورت مالک-ملک است؛ درحالی که برای مثال در مورد راهبرد استفاده از Of ابتدا ملک است سپس مالک (روزنباخ^۱، ۲۰۰۸):

7) Harry's heart

قلب هری

8) The corner of the street

گوشهٔ خیابان

کرافت (۱۹۹۰: ۳۷) در رده‌بندی دقیق‌تر ساخت‌های ملکی ویژگی‌های واژی-نحوی زیر را دخیل می‌داند:

۱- ترتیب آرایشی ملک و مالک (ملک - مالک، مالک - مالک)؛

۲- میزان ادغام ساخت‌واژی ملک و ملک (مجاورت، وندافزایی / ترکیب، ادغام)؛

۳- تکواژ افزوده:

الف) دارد یا ندارد؛

ب) نوع تکواژ افزوده: حالت‌نما/ اضافه، مطابقه، شاخص، طبقه‌نما، پیونده، ترکیبی از برخی از آن‌ها؛

ج) تکواژ افزوده - سازه‌ای از: ملک است یا مالک یا هیچ‌کدام؛

د) ترتیب قرارگیری: پیش، پس یا بین دو سازه؛

و) میزان ادغام ساخت‌واژی آن با مالک یا ملک (مجاورت، وندافزایی و صورت مکمل).

توجه به دو نکته ضروری است. در مطالعات رده‌شناختی برخی possessive و genitive را یکسان تلقی می‌کنند و به‌همین دلیل گاه معادل ساخت ملکی را possessive construction و گاه genitive construction در نظر می‌گیرند؛ درحالی‌که در تعاریف سنتی این اصطلاحات یکسان تلقی نمی‌شدند. نکته دوم این‌که در مطالعات رده‌شناختی به‌جهت تنوع ساختی غیر قابل انکار در زبان‌ها، برای رده‌بندی ابتدا طبق نظر کینان و کامری^۱ تعریفی معنایی از یک متغیر همانند مالکیت در نظر گرفته می‌شود، سپس تمام ساخت‌ها^۲ یا راهبردهایی^۳ که آن معنا یا رابطه معنایی را بازنمایی می‌کنند، بررسی می‌شوند و سپس همبستگی آن راهبردها و عوامل زبانی دیگر مشخص می‌شود (کرافت، ۱۹۹۰: ۱۲) و به‌همین سبب تفاوتی ندارد که آن راهبرد در حوزه واژگان یا ساخت‌واژه باشد یا نحو (گروه و بند)؛ همه این راهبردها در رده‌بندی مد نظر قرار می‌گیرند. در رده‌شناسی، زمانی که رابطه مالک و ملک مورد نظر است از رابطه genitive(G) و noun (N) صحبت می‌شود؛ از این‌رو این اصطلاحات با اغماض در رده‌شناسی به‌کار می‌روند؛ گاه بر حالت‌نمایی ملکی که به‌طور سنتی تعریف شده منطبق هستند و گاه با آن فاصله دارند.

۳- روش پژوهش

نوشتار پیش رو داده‌بنیان است و داده‌های آن بر دو نوع است. نوع اول داده‌های اولیه^۴ هستند که از گویشوران گونه‌های زبانی به‌دست آمده‌اند و نوع دوم داده‌های ثانویه^۵ هستند که از آثار نوشتاری منتشر شده از برخی گونه‌های زبانی حاصل شده‌اند. هر جا از آثار منتشر شده استفاده شده است، برای آن منبع ذکر شده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها، در وهله اول راهبرد ملکی‌سازی در هرگونه زبانی با استفاده از دسته‌بندی کرافت^۶ (۲۰۰۳) مشخص شده، سپس متغیرهایی که در بخش نظری به‌مثابه متغیرهای دخیل در بیان رابطه مالکیت یا چینش ملک و مالک در زبان‌های دنیا معرفی شده‌اند و

1. E. L. Keenan & B. Comrie
2. constructions
3. strategies
4. primary data
5. secondary data
6. W. Croft

ویژگی‌هایی که از نظر کرافت (۱۹۹۰) در تحلیل دقیق‌تر رده‌بندی ملکی دخیل بوده‌اند، در هرگونه بررسی شده‌اند تا مشخص شود دخالت آن متغیر یا ویژگی در ساخت ملکی آن گونه به چه صورت بوده است.

۴- تحلیل داده‌ها

در این بخش به ارائه داده‌ها و بررسی آن‌ها در گونه‌های مختلف زبانی ایرانی پرداخته می‌شود. داده‌های این بخش برگرفته از گونه‌های ناحیه خزری (گیلکی، سمنانی)، گونه‌های جنوب غرب ایران (لری، بختیاری کوه‌رنگ)، گونه‌های بلوچی (بلوچی اربابان، کروش)، گونه‌های مرکزی (طره‌ای)، گونه‌های زازا (هورامی پاره) و گونه‌های کردی (کردی جافی) است.

۴-۱- گیلکی

mi dəs: دست من / دستم	zak-ə dəftər: 'دفتر کودک'
ti pā: پای تو / پایت	Ali pəsər: 'پسر علی'
unə kulāh: 'کلاه او / کلاهش'	lāku bāl: 'بازوی دختر'
ami dust: 'دوست ما / دوستان'	āhu zak: 'بچه آهو'
ušonə pušti: 'پشتی آن‌ها / پشتی‌شان'	Hasan-ə pišoni: 'پیشانی حسن'
	miz-ə pāye: 'پایه میز'

بررسی داده‌های بالا نشان می‌دهد که گیلکی برای بیان رابطه ملکی از راهبرد حالت‌نمایی^۱ استفاده می‌کند؛ این حالت‌نمایی در اسم با حالت‌نمای غیر فاعلی ə- که به مالک اضافه می‌شود نشان داده می‌شود (Hasan-ə pišoni 'پیشانی حسن')؛ البته این نشانه پس از مالک‌های مختوم به واکه ظاهر نمی‌شود. ضمایر ملکی در گیلکی از دیگر ضمایر متفاوت هستند و شکل خاص خود را دارند (mi dəs 'دست من'). از نظر ویژگی‌های مورد نظر کرافت (۱۹۹۰)، در گیلکی ترتیب آرایشی ملک و مالک به صورت مالک - ملک است؛ بنابراین برخلاف فارسی امروز است. مالک و ملک بدون هیچ ادغامی تنها در مجاورت هم قرار می‌گیرند. تکواژ اضافه به صورت نشانه حالت وجود دارد که سازه‌ای از مالک است و پس از آن به صورت ون‌دی اضافه می‌شود.

گفته شد که متغیرهایی بالقوه می‌توانند در نحوه بیان یا چینش مالک و ملک در رابطه مالکیت تأثیرگذار باشند. اولین متغیری که در این داده‌ها بررسی می‌شود تأثیر جاننداری در بیان رابطه مالکیت یا

نحوهٔ چینش مالک و ملک است. همان‌گونه که از مثال‌های *Hasan-ə pišoni* 'پیشانی حسن' و *miz-ə pāye* 'پایهٔ میز' برمی‌آید، جاننداری تأثیری در نحوهٔ بیان رابطهٔ مالکیت یا چینش سازه‌های ملک و مالک در گیلکی ندارد. دومین متغیر، اهمیت تعلق‌ی بودن یا نبودن رابطهٔ ملکی است که چنانکه ملاحظه می‌شود، این متغیر به هنگام بیان رابطهٔ مالکیت مدنظر قرار نمی‌گیرد؛ نحوهٔ بیان *mi dəs* 'دست من' با *ušonə pušti* 'پشتی آن‌ها' و *zak-ə dəftər* 'دفتر کودک' با *lāku bāl* 'بازوی دختر' که در هر جفت در اوئی رابطهٔ تعلق‌ی وجود دارد و در دومی رابطهٔ غیر تعلق‌ی، یکسان است و برای مثال تعلق‌ی بودن یا نبودن باعث بروز واژه‌بستی مالک در *mi dəs* 'دست من' نمی‌شود. سومین ملاک اسم یا ضمیر بودن مالک و تأثیر آن در نحوهٔ بیان رابطهٔ مالکیت است. بررسی صورت‌هایی مانند *mi dəs* 'دست من' و *lāku bāl* 'بازوی دختر' که در اوئی مالک ضمیر است و در دومی اسم، نشان می‌دهد که اسم یا ضمیر بودن مالک تأثیری در نحوهٔ بیان مالکیت و ترتیب مالک و ملک ندارد.

۴-۲- سمنانی

<i>mö das(t)</i> : 'دست من / دستم'	<i>vačed aftar, vača daftar</i> : 'دفتر کودک'
<i>ta pā</i> : 'پای تو / پایت'	<i>Ali pir</i> : 'پسر علی'
<i>žö kolā, žin kola</i> : 'کلاه او / کلاهش'	<i>doxtar-in bāl</i> : 'بازوی دختر'
<i>hamâ dus(t)</i> : 'دوست ما / دوستان'	<i>āhu-yin vače</i> : 'بچهٔ آهو'
<i>žon puštīya</i> : 'پشتی آن‌ها / پشتی‌شان'	<i>Hasan-i pišoni</i> : 'پیشانی حسن'
	<i>miz-i pāya</i> : 'پایهٔ میز'

چنانکه مشاهده می‌شود در سمنانی برای بیان رابطهٔ مالکیت از راهبرد حالت‌نمایی استفاده می‌شود. حالت‌نمایی هم در اسم‌ها و هم در ضمائر وجود دارد؛ بنابراین ضمائر موجود در مثال‌های بالا گویای حالت ملکی هستند و اسامی نیز نشانهٔ حالت غیر فاعلی /i/ را بروز می‌دهند (*Hasan-i pišoni* 'پیشانی حسن')؛ همچنین بازنمایی جنس چه جنس طبیعی و چه جنس دستوری، در سمنانی وجود دارد (کلباسی، ۱۳۸۴). سراج و سراج (۱۳۹۲) معتقدند که افزوده شدن صامت /n/ به نشانهٔ حالت‌نمای غیر فاعلی /i/ به دلیل مشخص کردن جنس مؤنث در این گونه اتفاق می‌افتد: *doxtar-i-n bāl* 'بازوی دختر'؛ اما کلباسی (۱۳۸۴) معتقد است /i/ حالت‌نمای غیر فاعلی برای مفرد مذکر و /in/ حالت‌نمای غیر فاعلی برای مفرد مؤنث در این گونه است؛ بنابراین /in/ را یک واژک با دو تکواژ می‌داند نه دو واژک. رضایپور (۱۳۹۴) نیز /in/ را نشانهٔ اضافه برای جنس مؤنث می‌داند و آن را به /i/ و /n/ تفکیک نمی‌کند؛ همچنین بازنمایی جنس در ضمیر سوم شخص مفرد ملکی سبب می‌شود که دو صورت از /و داشته باشیم: *žö* (و)

مذکر)، žin (او مؤنث). نکته آخر مربوط به اهمیت آواهای پایانی اسامی در ظهور یا عدم حضور نشانه-ها در این گونه است؛ چنانکه در نمونه Ali pir 'پسر علی' به دلیل مختوم‌شدن /Ali/ به واکه، نشانه حالت غیر فاعلی ظاهر نشده است. محمدابراهیمی و دیگران (۱۳۸۹) نیز اهمیت آواهای پایانی در چگونگی بروز نشانه‌هایی چون حالت‌نماها و جنس در این گونه را مورد توجه و تأکید قرار داده‌اند. از نظر ویژگی‌های مورد نظر کرافت (۱۹۹۰)، در سمنانی ترتیب آرایشی ملک و مالک به صورت مالک - ملک است؛ بنابراین با فارسی امروز متفاوت است. دو سازه ملک و مالک بدون هیچ ادغامی در مجاورت هم قرار می‌گیرند و در این گونه تکواژ افزوده وجود دارد. نوع آن حالت‌نماست که سازه‌ای از مالک است و پس از آن به صورت نند ظاهر می‌شود. متغیرهای جاننداری و تعلق‌بودن یا غیر تعلق‌بودن تأثیری در چینش سازه‌ها یا نحوه بیان رابطه مالکیت در این گونه ندارد و از ضمائر هم به صورت واژه‌بستی استفاده نمی‌شود؛ بنابراین شیوه چینش یا شیوه بیان رابطه ملکی وقتی مالک اسم یا ضمیر است، تفاوتی ندارد.

۴-۳- لری

dassar-e me, dass-em: 'دست من/ دستم'	dafar-e bačča: 'دفتر کودک'
kelew-e ō, kelew-š: 'کلاه او/ کلاهش'	korr-e Ali: 'پسر علی'
pošti-ye onā, pošti-šon: 'پشتی آن‌ها/ پشتی‌شان'	baqal-e doxtar: 'بازوی دختر'
	korr-e āhu: 'بچه آهو'
	pišoni-ye Hasan: 'پیشانی حسن'
	pāa(e) mīz: 'پایه میز'

راهبرد بیان مالکیت در لری استفاده از پیونده^۱ است. از نظر ویژگی‌های مورد نظر کرافت (۱۹۹۰)، چینش دو سازه دخیل در این راهبرد به صورت ملک- مالک است که به فارسی امروز شباهت دارد. به لحاظ میزان ادغام، زمانی که مالک اسمی است، دو سازه بدون ادغام در مجاورت هم قرار می‌گیرند؛ اما زمانی که مالک ضمیری است، امکان ظاهرشدنش به صورت واژه‌بستی وجود دارد که در آن صورت به ملک می‌چسبد. تکواژ اضافه در این گونه همان کسره اضافه است که سازه‌ای از ملک است و به صورت وندی (واژه‌بستی) پس از آن قرار می‌گیرد. همان‌طور که مثال‌ها نشان می‌دهند، متغیرهای جاننداری (korre-Ali 'پسر علی' در مقابل pāa(e) mīz 'پایه میز') و تعلق‌بودن یا غیر تعلق‌بودن (daftar-e bačča 'دفتر کودک' در مقابل baqal-e doxtar 'بازوی دختر') تأثیری در نحوه بیان رابطه

مالکیت یا چینش سازه‌های دخیل ندارند.

۴-۴- بختیاری کوه‌رنگ

داده‌های این بخش از طاهری (۱۳۸۹) گرفته شده است:

kečī-s: 'عمه‌اش'	hōwe piyâ: 'خانهٔ مرد'
dađe īsâ: 'خواهر شما'	melâ sar-om: 'موهای سرم' leng kawš dōdar: 'لنگ کفش دختر'
	sahâv mēšōw: 'صاحب میش‌ها'
	pa miz: 'پایهٔ میز'

داده‌های بختیاری کوه‌رنگ نشان می‌دهند که راهبرد ملکی‌سازی در این گونه، مجاورت است. از نظر ویژگی‌های مورد نظر کرافت (۱۹۹۰)، ترتیب آرایشی دو سازه به‌صورت ملک - مالک است و در صورت ضمیربودن، مالک می‌تواند هم به‌صورت مستقل و هم واژه‌بستی پس از ملک ظاهر شود. در این گونه تکواژ اضافه وجود ندارد. متغیر تعلق‌ی‌بودن (dađe īsâ) 'خواهر شما' یا غیر تعلق‌ی‌بودن (hōwe piyâ 'خانهٔ مرد') و همچنین متغیر جاننداری (مقایسه کنید: pa miz 'پایهٔ میز' با sahâv mēšōw 'صاحب میش‌ها') تأثیری در چینش سازه‌ها یا شیوهٔ بیان رابطهٔ مالکیت ندارد.

۴-۵- بلوچی اربابان

داده‌های این بخش از دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۲۲۹) گرفته شده است:

men-i berat /berat-e mā: 'برادر من'	Ali possag /čokk-e Ali: 'پسر علی'
ayan-i ketâb: 'کتاب آن‌ها'	

همان‌گونه که از مثال‌ها برمی‌آید، در بلوچی اربابان دو راهکار حالت‌نمایی (/i/) بیان‌گر حالت غیر فاعلی) و پیونده (هسته‌نما /e/) کاربرد دارد. از این دو راهبرد در دو موقعیت متفاوت استفاده می‌شود. زمانی که چینش سازه‌ها به‌صورت مالک - ملک است (Ali possag 'پسر علی')، از راهبرد حالت‌نمایی و هنگامی که چینش سازه‌ها به‌صورت ملک - مالک است، برای مشخص کردن ملک که هستهٔ گروه ملکی است، از پیونده استفاده می‌شود (men-i berat 'برادر من'). به نظر می‌رسد اسم یا ضمیربودن مالک تأثیری در نحوهٔ بیان این رابطه یا چینش سازه‌ها ندارد؛ چراکه در هر دو حالت جایگاه مالک و ملک قابل تغییر است. چنانکه گفته شد، از نظر ویژگی‌های مورد نظر کرافت (۱۹۹۰)، هر دو ترتیب آرایشی مالک - ملک و ملک - مالک وجود دارد و این دو سازه بدون ادغام در مجاورت هم قرار می‌گیرند.

تکواژ اضافه در این گونه وجود دارد که در مورد حالت‌نما به‌صورت وندی پس از مالک اضافه شده و در مورد پیونده به‌صورت وندی پس از ملک قرار می‌گیرد. متغیّر تعلقی بودن ('برادر من' men-i berat) یا غیر تعلقی بودن ('کتاب آن‌ها' ayan-i ketâb) تأثیری در چینش سازه‌ها یا شیوه بیان رابطه مالکیت ندارد.

۴-۶- کروشی

داده‌های این گونه از عمادی (۱۳۸۴) گرفته شده است:

zahrâ-y telâ: 'طلای زهرا'	ta-y kâar: 'کار تو'
dart-ey tak: 'شاخه درخت'	âšan-I berâd: 'برادر آن‌ها'
bîžan-i ĵanek: 'دختر بیژن'	asb-i: 'اسب'
šaf-e došamba: 'شب دوشنبه'	âš-i tofanŋ: 'تفنگش'
dâtiy-ey ĵanek: 'دختر خاله'	dass-ay: 'دستش'

همان‌طور که از داده‌ها برمی‌آید در کروشی از دو نوع راهبرد ملکی‌سازی پیونده و حالت‌نمایی استفاده می‌شود. در کروشی سه پیونده به‌طور غالب به‌کار می‌رود. پیونده -y زمانی به‌کار می‌رود که مالک به واکه‌های /a/ و /â/ ختم شده باشد، در این صورت فرقی ندارد که مالک اسمی (zahrâ-y telâ 'طلای زهرا') باشد یا ضمیری (ta-y kâar 'کار تو'). پیونده -i به اسم خاص و ضمایی که مختوم به /a/ یا /â/ نیستند، اضافه می‌شود (bîžan-i ĵanek 'دختر بیژن'). در دیگر موارد پیونده -ey به‌کار می‌رود (dart-ey tak 'شاخه درخت'). همچنین از پیونده -e در موارد معدودی که بیشتر نمونه‌های حاشیه‌ای ملکی هستند، استفاده می‌شود (šaf-e došamb 'شب دوشنبه'). زمانی از حالت‌نمایی استفاده می‌شود که مالک ضمیر واژه‌بستی است. چنانکه عمادی (۱۳۸۴) می‌گوید ضمائر واژه‌بستی به لحاظ حالت تابع نقش سازه همراه خود هستند؛ بنابراین برای مثال اگر سازه‌ای که این ضمائر ملکی واژه‌بستی به آن می‌چسبند فاعل باشد، ضمیر واژه‌بستی ملکی نیز از نوع فاعلی خواهد بود و چنانچه سازه اسمی همراه، مفعول صریح، غیر صریح یا متممی باشد، ضمیر واژه‌بستی ملکی نیز حالت غیر فاعلی خواهد داشت. در داده‌های بالا واژه‌بست /i-/ که پس از /asb/ ظاهر شده، فاعلی است؛ بنابراین، این سازه در جمله‌ای مانند /asb-i/ در گل فرورفت می‌تواند ظاهر شود؛ اما واژه‌بست -ay که پس از /dass/ آمده، غیر فاعلی است؛ بنابراین این سازه در جمله‌ای مانند /dass-ay/ می‌تواند ظاهر شود. در مورد ویژگی‌های کرافت (۱۹۹۰) ترتیب غالب دو سازه ملک و مالک در مورد مالک‌های اسمی و ضمیری مستقل با سه پیونده -y، -ey و -i به‌صورت مالک-ملک است، اما در مورد پیونده -e ترتیب معکوس می‌شود؛

همچنین در خصوص ضمائر ملکی واژه‌بستی ترتیب، ملک- مالک به کار می‌رود. در این گونه، تکواژ افزوده در مورد راهبرد پیونده وجود دارد و تکواژ افزوده بیشتر سازه‌ای از مالک است و به صورت واژه‌بستی پس از آن اضافه می‌شود. متغیرهای جاننداری (مقایسه کنید: *dart-ey tak* 'شاخه درخت' با *dâtiy-ey jânek* 'دخترخاله' و تعلق‌ی بودن (*dass-ay* 'دستش') و غیر تعلق‌ی بودن (*asb-i* 'اسبش')، تأثیری در چینش سازه‌ها یا شیوه بیان رابطه مالکیت در این گونه ندارد.

۴-۷- طره‌ای

<i>dös man/dösöm</i> : 'دست من / دستم'	<i>dafter väčä</i> : 'دختر کودک'
<i>på tö/påd</i> : 'پای تو / پایت'	<i>pur Ali</i> : 'پسر علی'
<i>kola nun/kölây</i> : 'کلاه او / کلاهش'	<i>väčä ähu</i> : 'بچه آهو'
<i>rafiq hämä/rafiqmun</i> : 'دوست ما / دوستانم'	<i>pišuni hasan</i> : 'پیشانی حسن'
<i>pöšti numa/päštišun</i> : 'پشتی آن‌ها / پشتی‌شان'	<i>pâyä miz</i> : 'پایه میز'

چنانکه از داده‌ها برمی‌آید راهبرد بیان مالکیت در طره‌ای مجاورت است. از نظر ویژگی‌های کرافت (۱۹۹۰)، چینش سازه‌ها به صورت ملک - مالک است. در صورتی که مالک اسم باشد، این دو سازه بدون ادغام در مجاورت هم قرار می‌گیرند (*dafter väčä* 'دختر کودک')، اما در صورتی که مالک ضمیر باشد، می‌تواند به صورت واژه‌بستی نیز ظاهر شود (*dösöm* 'دستم'). در عین حال متغیر اسم یا ضمیر بودن مالک تأثیری در چینش سازه‌ها ندارد. تکواژ اضافه در این گونه وجود ندارد؛ بنابراین، از این نظر به فارسی امروز شبیه است. متغیر جاننداری در چینش سازه‌ها یا شیوه بیان رابطه مالکیت تأثیری ندارد (مقایسه کنید: *pâyä miz* 'پایه میز' با *pur Ali* 'پسر علی'). متغیر تعلق‌ی بودن (*på tö/påd* 'پای تو / پایت') یا غیر تعلق‌ی بودن (*kola nun/kölây* 'کلاه او / کلاهش')؛ نیز در چینش ملک و مالک و شیوه به کاررفته برای بیان مالکیت بی تأثیر است.

۴-۸- هورامی

<i>das-ü am/amn/mn, das-m</i> : 'دست من / دستم'	<i>dafar-ü zwro-y</i> : 'دختر کودک'
<i>pā-w to, pā-t</i> : 'پای تو / پایت'	<i>kur-ü Ali</i> : 'پسر علی'
<i>kļāwa-wād-, kļāwa-š</i> : 'کلاه او / کلاهش'	<i>bazū-w knāčē</i> : 'بازوی دختر'
<i>dos-ü ema, dos-mān</i> : 'دوست ما / دوستانم'	<i>bača-w āhū-y</i> : 'بچه آهو'
	<i>taweḷe-w Hasan-i</i> : 'پیشانی حسن'
	<i>pāya-w mez-e</i> : 'پایه میز'

در هورامی دو راهبرد پیونده و حالت‌نمایی به‌طور هم‌زمان به‌کار می‌رود. زمانی که ملک به واکه ختم شده باشد، پیونده /w/ است و هنگامی که ملک به همخوان ختم شده باشد، پیونده /ū/ است که به‌صورت واژه‌بست به ملک اضافه می‌شود. درخصوص حالت‌نمایی نیز این حالت‌نمایی با نشانه /y/ در مورد مالک‌هایی که به واکه ختم می‌شوند، نشانه /i/ زمانی که مالک‌ها به همخوان ختم می‌شوند و مذکر هستند و نشانه /e/ زمانی که مالک‌ها به همخوان ختم می‌شوند و مؤنث هستند، بروز می‌یابد. در عین حال زمانی که مالک به واکه /i/ ختم می‌شود، نشانه حالت‌نما ظاهر نمی‌شود. از نظر ویژگی‌های مورد نظر کرافت (۱۹۹۰)، چینش دو سازه ملک و مالک در هورامی به‌صورت ملک- مالک است و هنگامی که مالک اسم است، این دو سازه بدون ادغام در کنار هم قرار می‌گیرند، اما زمانی که مالک ضمیری است، امکان بروز صورت واژه‌بستی نیز وجود دارد. در این گونه دو تکواژ افزوده وجود دارد. یکی حالت‌نما که سازه‌ای از مالک است و پس از آن به‌صورت وندی ظاهر می‌شود و دیگری پیونده که پس از ملک به‌صورت وندی قرار می‌گیرد. متغیر تعلق‌ی‌بودن یا غیر تعلق‌ی‌بودن (مقایسه کنید: /pā-w to/ پای تو/ پایت و /klāwa-w ād/ کلاه او/ کلاهش) و نیز متغیر جاننداری تأثیری بر چینش سازه‌های ملک و مالک یا شیوه بیان رابطه مالکیت در هورامی ندارد.

۹-۴- کردی جافی

das-ī mn, das-m: دست من/ دستم	daftar- ī mnāṭ: دفتر کودک
pe-y to, pe-t/ pe-w پای تو/ پایت	kur-ī Ali: پسر علی
klāw- ī aw, klāw-ī کلاه او/ کلاهش	bačka-y āhū: بچه آهو
dos-ī ema, dos-man دوست ما/ دوستان	twel-ī Hasan: پیشانی حسن
pštī awān, pštī-yān پشته آن‌ها/ پشته‌شان	pāya-y mez: پایه میز

راهبرد مورد استفاده در کردی جافی پیونده است. دو نوع پیونده در این گونه به‌کار می‌رود. پس از ملک‌هایی که به همخوان ختم می‌شوند، نشانه /i/ به‌صورت واژه‌بست ظاهر می‌شود و پس از ملک‌هایی که به واکه ختم می‌شوند، نشانه /y/ به‌صورت واژه‌بست به‌کار می‌رود. درخصوص ویژگی‌های مورد نظر کرافت، چینش دو سازه به‌صورت ملک- مالک است. این دو سازه در صورتی که مالک اسم باشد، بدون ادغام در مجاورت هم قرار می‌گیرند، اما در صورتی که مالک ضمیر باشد، می‌تواند به دو صورت مستقل یا غیر مستقل ظاهر شود. اگر مستقل باشد، بدون ادغام در کنار ملک قرار می‌گیرد؛ اما وقتی غیر مستقل است، به‌صورت واژه‌بست به ملک می‌چسبد. دو تکواژ اضافه در این گونه هست که نوع هر دو پیونده است. پیونده‌ها سازه‌ای از ملک هستند و به‌صورت وندی (واژه‌بست) پس از ملک ظاهر می‌شوند. متغیر

تعلق‌ی بودن (das-ī mn, das-m 'دست من / دستم') یا غیر تعلق‌ی بودن (klāw-ī aw, klāw-ī 'کلاه او / کلاهش') و همچنین متغیّر جاندارى (مقایسه کنید: pāya-y mez 'پایه میز' با bačka-y āhū 'بچه آهو') تأثیری در چینش دو سازه یا شیوه بیان رابطه مالکیت ندارد. در این گونه، مالک‌های ضمیری به دو صورت مستقل و واژه‌بستی ظاهر می‌شوند.

در پژوهش حاضر نمونه‌ای از گونه‌های شمال شرق کشور یعنی گونه‌های خراسان شامل سه استان خراسان شمالی، رضوی و جنوبی آورده نشده‌است؛ چه در آثار دیگری چون شریفی (۱۳۹۳) به موضوع ساخت اضافه در گونه‌های فارسی خراسان پرداخته شده است. طبق این بررسی‌ها، راهبردهای ساخت ملکی در این گونه‌ها، پیونده و مجاورت است. برخی از این گونه‌ها تنها از یکی از این راهبردها استفاده می‌کنند (برای مثال بجستانی و گنابادی تنها از پیونده و درحی و نهبندانی تنها از مجاورت استفاده می‌کنند) و بعضی از هر دو راهکار در شرایط آوایی متفاوت بهره می‌برند (همانند سبزواری). ترتیب مالک و ملک در تمام این گونه‌ها به صورت ملک - مالک است؛ بنابراین در گونه‌هایی که از پیونده استفاده می‌کنند، پیونده، سازه‌ای از ملک است و به صورت وندی (واژه‌بستی) به آن اضافه می‌شود.

۵- بحث

همان‌طور که داده‌ها نشان می‌دهند، در گونه‌های بررسی شده سه راهبرد حالت‌نمایی، مجاورت و پیونده از مجموع راهبردهایی که کرافت (۱۹۹۰) برای بیان رابطه مالکیت در سطح گروه معرفی کرده است، به‌کار گرفته می‌شوند. در بیشتر گونه‌ها تنها از یکی از این راهبردها (راهبرد پیونده همانند لری، راهبرد حالت‌نمایی مانند گیلکی و سمنانی و راهبرد مجاورت مانند طره‌ای) استفاده می‌شود و در گونه‌های کمتری مانند بلوچی اربابان و هورامی دو راهکار به‌کار گرفته می‌شوند.

بررسی راهبردهای بیان رابطه مالکیت در ایرانی باستان و ایرانی میانه می‌تواند بر وضعیت امروز گونه‌های بررسی شده پرتوی بیفکند. از این‌رو در ادامه نمونه‌هایی از ساخت اضافه ملکی در دوره‌های یادشده ارائه می‌شود.

در ایرانی باستان از آنجا که اسامی و ضمائر به‌لحاظ حالت تصریف می‌شدند، این امر به آن‌ها امکان تحرک می‌داد به گونه‌ای که مضاف‌الیه می‌توانست پیش و پس از مضاف ظاهر شود؛ با این‌همه نمونه‌های بسیاری از ظاهر شدن مضاف‌الیه پیش از مضاف وجود دارد؛ بنابراین در ساخت ملکی غالباً مالک پیش از ملک قرار می‌گرفته است؛ مانند نمونه‌های زیر از اوستایی (فروردین یشت و وندیداد ۲۰

برگرفته از گلدنر^۱، (۱۸۷۶):

aspəm varəsəm 'موی اسب'؛ mē āpō 'آب‌های من'؛ aṅḥaṃ raya 'شکوه آنان'؛ اما در عبارت و

'زنان و مردان زردشت'؛ این ترتیب برعکس شده است: narabyasčā nāiribyasčā zartuštra.

در مثال‌های بالا ضمایر و اسامی حالت‌نمایی ملکی (اضافی) دارند این حالت در ضمایر بدون افزایش تکواژ و در مورد اسامی، با افزودن وند حالت‌نما ظاهر می‌شود؛ بنابراین راهبرد مورد استفاده در اوستایی برای بیان مالکیت، راهبرد حالت‌نمایی بوده است. براساس ویژگی‌هایی کرافت چینش دو سازه هم مالک-ملک و هم ملک-مالک بوده است که بدون ادغام در مجاورت هم قرار می‌گرفته‌اند. نمونه‌های زیر از فارسی باستان است (کنت^۲، ۱۹۵۳):

'پسر گشتاسپ' vištāspahyā puca، 'پدر من' manā pitā

در مثال‌های بالا ضمیر manā حالت اضافی دارد و همین‌طور اسم vištāspahyā به‌سبب وند افزوده - hyā حالت‌نمایی اضافی دارد.

در ایرانی میانه غربی مالک‌های ضمیری زمانی که صورت مستقل داشتند، می‌توانستند پیش یا پس از ملک ظاهر شوند:

9) zanēm tō, zanēm dāmān ī tō rāy.

تو را بکشم، آفریدگان تو را بکشم. (گزیده‌های زادسپرم، ۳۴)

10) ku-š dām ī ōhrmazd rawāg kard.

آفرینش اورمزد را حرکت بخشید. (گزیده‌های زادسپرم، ۳۶)

11) bōzāh man arwān čīmī zādmurd. (dz1)

روان مرا از این زادمرد نجات بده. (رضائی باغ‌بیدی، ۱۳۸۸)

زمانی که مالک ضمیری یا اسمی پس از ملک به‌کار می‌رفت، پیونده /ī/ ظاهر می‌شده است، اما زمانی که پیش از ملک به‌کار می‌رفت، پیونده ظاهر نمی‌شده است؛ بنابراین در ایرانی میانه غربی دو راهبرد برای بیان رابطه مالکیت در سطح گروه به‌کار می‌رفته است: مجاورت و پیونده. به‌علاوه اسامی و ضمایر مستقل در ایرانی میانه غربی به‌لحاظ حالت صرف نمی‌شده‌اند، اما برای اول‌شخص مفرد دو صورت وجود داشت که یکی حالت فاعلی و دیگری حالت غیر فاعلی را نشان می‌داد. در مثال (۱۱) ضمیر man حالت غیر فاعلی دارد؛ افزون بر این، در ایرانی میانه غربی ضمایر واژه‌بستی ملکی نیز وجود

1. K. F. Geldner

2. R. Kent

داشتند. این واژه‌بست‌ها گاهی همچون فارسی معیار امروز به‌مثابه مالک پس از ملک ظاهر می‌شدند و در واقع به ملک می‌چسبیدند (zan-i-š) 'زنش' و گاه جدا از ملک ظاهر می‌شدند (همانند مثال زیر از ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۱۰۳):

14) u-š pad zōr abāg āz ud ahramēn kōšēm (Acta 9, 32)

و با زورش با آ ز و اهریمن کوشم (مبارزه می‌کنم).

در مثال بالا ضمیر واژه‌بستی ملکی سوم‌شخص مفرد š- به u- چسبیده است. در دوره باستان نیز ضمائر واژه‌بستی ملکی وجود داشته‌اند (مثال اوستایی از ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۹۱):

15) azəm tē gaēθā frādayeni.

من گیتی‌ات را گسترش خواهم داد.

در مثال بالا tē ضمیر دوم‌شخص مفرد و در حالت اضافی است (مضاف‌الیه 'gaēθā' گیتی است) که پیش از ملک واقع شده است. پیش از این گفته شد که ضمائر واژه‌بستی ملکی دوره میانه هم گاه جدا از ملک ظاهر می‌شده‌اند و پیش از آن قرار می‌گرفته‌اند. این ویژگی یعنی ظاهر شدن مالک واژه‌بستی پیش از ملک در هیچ‌کدام از گونه‌های بررسی‌شده امروزی دیده نمی‌شود. در تمام این گونه‌ها، واژه‌بست ملکی به‌طور ثابت پس از ملک اضافه می‌شود و امکان جابه‌جایی ندارد. داده‌های بالا نشان می‌دهند که در ایرانی باستان راهبرد حالت‌نمایی وجود داشته، ولی در دوره میانه دو راهبرد مجاورت و پیونده جای آن را گرفته‌اند. در گونه‌های کنونی هنوز راهبرد حالت‌نمایی در بسیاری موارد دیده می‌شود، اما جایگاه دو سازه ملک و مالک تثبیت‌شده‌تر است.

گاه تغییر آرایش مالک و ملک در یک گونه ممکن می‌شود و این در صورتی است که راهبرد ملکی‌سازی را عوض کنیم (مانند گونه بلوچی اربابان). در بیشتر گونه‌هایی که حالت‌نمایی دارند، مالک پیش از ملک قرار می‌گیرد و در عوض بیشتر گونه‌هایی که از پیونده استفاده می‌کنند، ترتیب ملک - مالک را دارند که شامل فارسی امروز نیز می‌شود؛ اما نکته‌ای که برخی از گونه‌ها را از فارسی باستان، اوستایی و ایرانی میانه جدا می‌کند این است که در برخی گونه‌های امروز ضمائر ملکی واژه‌بستی وجود ندارند؛ این امر در مورد برخی گونه‌های فارسی به‌ویژه گونه‌های فارسی خراسان (شریفی و صبوری، ۱۳۹۷ و شریفی، ۱۳۹۳) نیز صدق می‌کند. سیر تحول این گونه‌ها نیاز به بررسی بیشتر دارد تا مشخص شود عدم وجود واژه‌بست‌های ضمیری در آن‌ها برگرفته از کدام ویژگی یا روند تحولی آن‌هاست. نکته دیگر اینکه در دوره باستان و میانه هم متغیر تعلق‌ی بودن یا غیر تعلق‌ی بودن و یا جاننداری تأثیری در

چینش سازه‌ها یا شیوه بیان رابطه مالکیت نداشته است. این خصوصیت در گونه‌های مورد بررسی امروز ادامه یافته است.

۶- نتیجه‌گیری

بررسی داده‌های این پژوهش نشان از آن دارد که رد پای راهبرد حالت‌نمایی دوره باستان در ساخت ملکی گونه‌های شمالی ایران (ناحیه خزری) و گونه‌های جنوب شرقی (بلوچی) بیش از دیگر مناطق ایران دیده می‌شود (به‌ویژه با شمال شرقی، گونه‌های خراسان و جنوب غربی، گونه‌های لری و بختیاری مقایسه کنید). راهبردهای دوره میانه یعنی مجاورت و پیونده نیز در نقاط مختلف کشور به‌ویژه در گونه‌های جنوب غربی، شمال شرقی و غربی (گونه‌های کردی) مشاهده می‌شود.

از نظر ویژگی‌های مورد نظر کرافت (۱۹۹۰) جز در برخی گونه‌ها که از مالک‌های واژه‌بستی استفاده می‌شود، مالک و ملک بدون ادغام در مجاورت هم قرار می‌گیرند، تکواژ اضافه در گونه‌هایی که آن را دارند همواره به‌صورت ون‌دی (واژه‌بستی) پس از سازه اول و به‌ندرت پس از سازه دوم قرار می‌گیرد. در گونه‌هایی که فقط از راهبرد حالت‌نمایی استفاده می‌کنند، تنها ترتیب مالک و ملک دیده می‌شود و در آن‌ها که به‌همراه حالت‌نمایی از راهبرد دیگری هم استفاده می‌کنند، گاه از هر دو ترتیب (مانند بلوچی اربابان) و گاه از ترتیب ملک - مالک (مانند هورامی) استفاده می‌شود. در تمام گونه‌هایی که در آن‌ها فقط از راهبرد مجاورت استفاده شده، ترتیب ملک- مالک دیده می‌شود. در تمام گونه‌هایی که در آن‌ها تنها از پیونده استفاده شده، ترتیب ملک- مالک دیده می‌شود و در آن‌ها که در کنار پیونده از راهکار دومی استفاده کرده‌اند یا هر دو ترتیب به‌کاررفته (مانند بلوچی اربابان) یا با هم از ترتیب ملک - مالک استفاده شده است (مانند هورامی). توصیفات گفته‌شده این فرض را تقویت می‌کند که شاید بین ترتیب سازه‌ها و راهبرد به‌کاررفته برای ساخت ملکی رابطه‌ای وجود داشته باشد.

منابع

ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۵). *دستور تاریخی زبان فارسی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

بامشادی، پارسا و شادی انصاریان (۱۳۹۶). ساخت ملکی در کردی گورانی: یک بررسی رده‌شناختی، *دوفصلنامه زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی دانشگاه شیراز*، ۲ (۱)، ۱۱-۲۲.

درزی، علی و طاهره افشار (۱۳۹۲). بررسی فرایند ارتقای اسم ملکی در زبان فارسی. *جستارهای زبانی*، ۴ (۲)،

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
- رازی، فریده (۱۳۶۶). *فرهنگ واژه‌های فارسی سره: برای واژه‌های عربی در فارسی معاصر*. تهران: نشر نی.
- رضایپور، ابراهیم (۱۳۹۴). ترتیب واژه در سمنانی از منظر رده‌شناسی زبان. *جستارهای زبانی*، ۶ (۵)، ۱۶۹-۱۹۰.
- رضائی باغبیدی، حسن (۱۳۸۸). *راهنمای زبان پارسی*. تهران: ققنوس.
- رضویان، حسین؛ سحر بهرامی خورشید و صدیقه کاوسی تاجکوه (۱۳۹۷). ساخت اضافه ملکی در زبان فارسی؛ تحلیلی از منظر دستور ساخت. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۱۰ (۱۸)، ۸۳-۹۸.
- سراج، فرشته و اشرف سراج (۱۳۹۲). بررسی مقوله حالت در گویش سمنانی. *مجموعه مقالات هشتمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی*، (صص ۱-۱۳)، زنجان.
- شریفی، شهلا (۱۳۸۸). بررسی ساخت ملکی در زبان فارسی امروز از دیدگاه رده‌شناسی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۱ (۱)، ۴۷-۶۲.
- (۱۳۹۳). بررسی کسره اضافه در ساخت اضافه زبان فارسی و برخی از گویش‌های فارسی خراسان رضوی و جنوبی: تنوعات و تبعات. در: محمد دبیرمقدم، *مجموعه مقالات نهمین همایش زبان‌شناسی ایران*، (صص ۷۵۵-۷۷۰). تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- و نرجس بانو صبوری (۱۳۹۷). بررسی ضمائر واژه‌بستی در برخی گویش‌های فارسی خراسان‌های رضوی و جنوبی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۱۰ (۱۹)، ۴-۱۴.
- طاهری، اسفندیار (۱۳۸۹). *گویش بختیاری کوه‌رنگ*. چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- عمادی، نظام (۱۳۸۴). *گویش کروش*. شیراز: آوند اندیشه.
- عمید، حسن (۱۳۶۳). *فرهنگ فارسی*. ۳ جلد، تهران: امیرکبیر.
- کلباسی، ایران (۱۳۸۴). ویژگی‌های شاخص گویش سمنانی، *مجله زبان و زبان‌شناسی*، ۱ (۲)، ۱۳۷-۱۴۱.
- (۱۳۸۹). *فرهنگ توصیفی گونه‌های زبانی ایران*. چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- محمدابراهیمی، زینب؛ بلقیس روشن و فرشته سراج (۱۳۸۹). بررسی جنس دستوری در گویش سمنانی. در: عصمت اسماعیلی و مصطفی جبّاری، *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی گویش‌های کویری*، جلد دوم، (صص ۱۸۷۶-۱۸۴۹). سمنان: دانشگاه سمنان.
- مصطفوی، پونه و مرضیه صنعتی (۱۳۹۷). گزاره‌های ملکی در زبان شه‌میرزادی: یک بررسی رده‌شناختی. *زبان‌پژوهی*، ۲۷، ۱۷۱-۱۹۹.
- معین، محمد (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی*. ۶ جلد، تهران: امیرکبیر.

وزیدگی‌های زادسپرم (۱۳۸۵). پژوهشی از محمدتقی راشد محصل. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- Brugman, C. M. (1988). *The Syntax and Semantics of "Have" and its Complements*. Ph.D. Dissertation of linguistics, University of California, Berkeley.
- Chapell, H. MacGregore, W. (Eds.) (1996). *The Grammar of Inalienability: A Typological Perspective on Body Part Terms and the Part-Whole Relation*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Croft, W. (1990). *Typology and Universals*. Cambridge: Cambridge University Press.
- (2003). *Typology and Universals*. 2nd edition, Cambridge: Cambridge University Press.
- Deal, R. A. (2017). External Possession and Possessor Raising. In: M. Everaert & H. Van Reimsdijk (Eds.), *The Companion to Syntax*, 2nd edition, (pp.1-32). New York: Wiley-Blackwell.
- Dryer, M. (2013). Order of Genitive & Noun. In: M. Dryer & M. Haspelmath (Eds.), *The World Atlas of Language Structures online*. Leipzig: MaxPlank Institute of Evolutionary Antropology. Available online at: <http://Wals.info/chapter/36>. Accessed on 2018-11-02.
- Geldner, K. F. (1886-1896). *Avesta: The Sacred Books of The Parsis*. Stuttgart.
- Heine, B. (1997). *Possession, Cognitive Sources, Forces and Grammaticalization*. Cambridge: Cambridge University Pres
- Kent, R. G. (1953). *Old Persian*. New Heaven.
- Langaker, R. W. (1987). *Foundations of Cognitive Grammar*. Vol. 1, Theoretical Prerequisites, Standford: Standford University Press.
- Oxford Advanced Learner, s Dictionary of Current English* (1998). Fifth Edition, In: J. Crowther (Ed.), Oxford, Oxford University Press.
- Payne, D. L. & I. Brashi, (1999). External Possession: What, Where, How and Why. In: D. L. Payne & I. Brashi (Eds.), *External Possession*, (pp.3-33). Amesterdam/ Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Rosenbach, A. (2008). Animacy and Grammatical Variation—Findings from English genitive variation. *Lingua*, 118 (2), 151-171.
- Valadares, S. M. B. (2006). Some Notes on Possessive Constructions in Palikur (Arawak, Brasil), In: L. Harper (Ed.), *Santa Barbara Papers in Linguistics*, Vol. 18. Proceedings from the ninth workshop on American indigenous languages.